

میدون و سوفیا

نامه به چند سایمون کپی!



✎ **پوریا عالمی**

● سلام عزیزانم. اولین سؤالم از شما این است که چرا؟! واقعا چرا عینهو برنامه‌های خارجی را کپی می‌کنید؟ اگر خوبند، همان‌ها را ترجمه کنید و پخش کنید. اگر خیلی خوبند، با همان برنامه‌سازان و شبکه‌ها قرارداد ببندید باینند نسخه فارسی برنامه‌شان را اینجا درست کنند.

درست است که ما کپی‌رایت نداریم و عملا مالکیت فکری، سرش گرد است، ولی شما هم دیگر چیز نکنید توی اصل ایده برنامه‌های خارجی؛ یعنی چیز نکنید؛ یعنی ماست خلاقیت اعلاى خودتان را نریزید توی قیمه برنامه اصلی! ای مجری‌کپی‌ها!

ای دلاوران!

درست است که شما پارتی داشتید یا سوراخ آب را پیدا کردید یا جان می‌دهدید برای ساخت‌ویاخت و آتن‌گرفتن؛! اما به راستی اگر تلویزیون خصوصی داشتیم و معیار «ارتباطات» نبود و آنتن را «توصیه‌ای» تقسیم نمی‌کردند، بلکه کیفیت برنامه معیار بود، آیا شما اکنون دنبال شغل نمی‌گشتید! و آیا کنار خیابان مشغول پرکردن فرم اسنپ نبودید؟ آه ای مجری‌کپی‌ها!

واقعا چهارتا برنامه خارجی ببینید. وقتی تلویزیون خصوصی باشد کی حاضر است آتن را بدهد به شما که مدام از خودتان تعریف کنید؟ ما وقتی هنوز محله‌مان برق نیامده بود، سسیم می‌انداختیم روی تیر برق و برق مجانی برمی‌داشتیم و بهش می‌گفتمیم برق ملت. فکر کنم صداسوسیمای ایران هم از برق ملت استفاده می‌کند که می‌تواند ساعت‌به‌ساعت شلنگ را ببندد به تلویزیون و نگران چیزی نباشد! حتی نگران پول برق!

راستی! یک چیز دیگر! شما که آخرش می‌خواهید وقتی چهره شدید بروید خارج! یا ...! اگر راست می‌گویید همین اول بروید بینم بلدید مثل یک پناهنده واقعی کلیمتان را از آب بکشید بیرون؟ در پایان از شما ای مجری‌کپی‌ها درخواست می‌کنم هنوز هم دیر نشده! برای صداسوسیمای ایران مهم نیست چی پخش می‌کند، شما برای خودتان اهمیت قائل شوید و جای این آبکی‌کاری‌ها و برنامه‌های آبکی ساختن، چهارتا راز بقا پخش کنید که از هر نظر بهتر است.

آهان! یک چیزی یادمان آمد. شما می‌روید پیش رئیس صداسوسما و می‌خواهید برنامه بگیرید، بهش می‌گویید ایده برنامه به ذهن خودتان اول رسیده در دنیا؟! یا می‌گویید یک برنامه جذاب خارجی هست که ما می‌خواهیم جذابیتش را برداریم و چیز کنیم توش؛ یعنی چیز، یعنی خلاقیت.

امضا: میدون دوم و سوفیا

بشر

ایران کشور مهاجرپذیر



● ۲۵ میلیون آواره با سخاوتمندی از سوی کشورهای دیگر پذیرفته شده‌اند. شش کشور در صدر کشورهای میزبان آوارگان جهان قرار دارند و بیشترین تعداد پناهندگان در آنها زندگی می‌کنند. ترکیه ۳۰۷ میلیون پناهنده را با سخاوت میزبانی می‌کند و به‌عنوان مهاجرپذیرترین کشور جهان برای پنجمین سال پیاپی در جهان شناخته شده است. کمک‌هایی از سازمان ملل و اتحادیه اروپا به این کشور ارائه می‌شود.

پاکستان با ۱۰۴ میلیون آواره به‌عنوان دیگر کشوری است که میزبان پناهندگان جهان شده است؛ کشوری که آوارگانی از افغانستان را میزبانی می‌کند و هر خانه را برای زندگی چهار نفر اختصاص می‌دهد.

اوگاندا میزبان ۱۰۲ میلیون نفر پناهنده از کشورهای مختلف است. بسیاری از آنان از سودان جنوبی آمده‌اند و بخش زیادی دیگر از جمهوری دموکراتیک کنگو به این کشور پناهنده شده‌اند. سودان با ۱۰۱ میلیون نفر آواره در سال ۲۰۱۸ در این کشور ثبت شده است؛ پناهندگانی که آسیب بسیاری در سودان جنوبی دیده‌اند و اکنون نیز تحت فشار قرار دارند. آلمان در رتبه پنجم قرار دارد و حدود یک‌میلیون و صد هزار آواره در این کشور پذیرفته شده‌اند. آلمان یک استثنا در بین کشورهای توسعه‌یافته است؛ کشوری که اجازه داده پناهندگان و آسیب‌دیدگان دیگر در کشورش پذیرفته شوند. ایران از نظر تعداد پناهندگانی که در آن زندگی می‌کنند، ششمین کشور جهان است. ۹۷۴ هزار نفر در این کشور پناهنده شده‌اند که تعداد زیادی از آنها از کشورهای افغانستان و عراق هستند.

شرق روزنامه

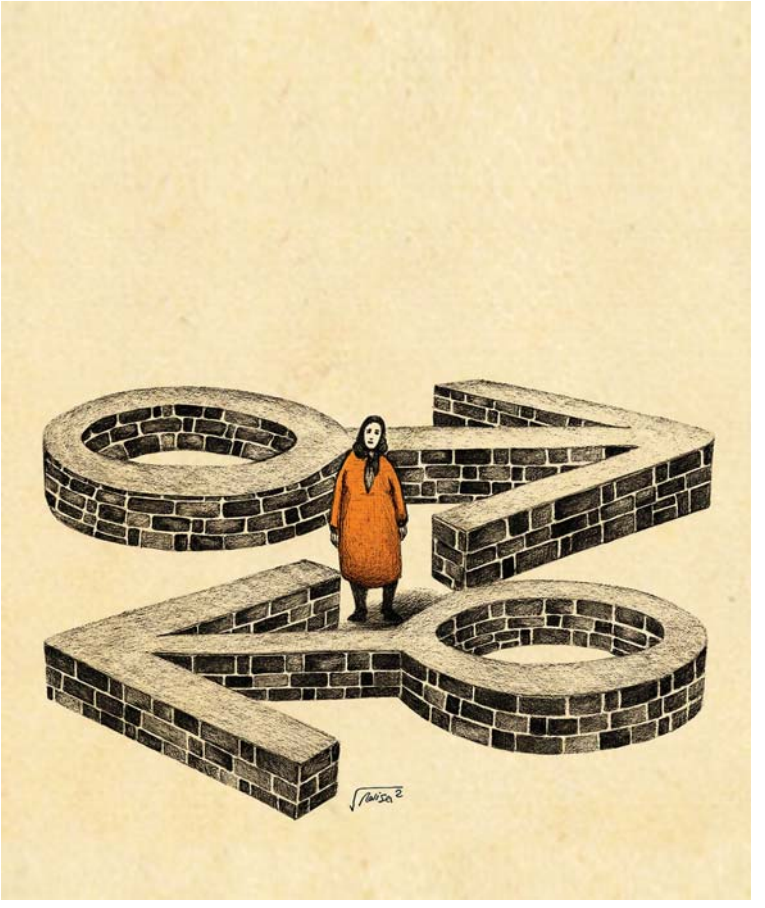
www.sharghdaily.ir

شنبه ۲ شهریور ۱۳۹۸ ● ۲۲ ذی‌الحجه ۱۴۴۰ ● ۲۴ آگوست ۲۰۱۹ ● سال هفدهم ● شماره ۳۵۰۷ ● ۱۶ صفحه اذان ظهرتهران ۱۳:۰۷ ● اذان مغرب ۲۰:۰۲ ● اذان صبح‌فردا ۵:۰۱ ● طلوع آفتاب ۶:۳۱

روزنامه‌فردا

کارتون خواب

✎ **پریسا نور الهی**



تجربه‌های دیگران

دروغ‌های یک رئیس‌جمهور

واشنگتن‌پست که چندی پیش درگیر دعوای مالک آن جف بزوس (سرمایه‌گذار آمازون) و برنی سندرز (نامزد دموکرات) بود، مقاله‌ای را منتشر کرد درباره تعداد دروغ‌های دونالد ترامپ در حدود هزار روزی که به ریاست‌جمهوری انتخاب شده است.

طبق گزارش گلن کسلر، ترامپ حدود ۱۲ هزار دروغ یا اطلاعات اشتباه را در این مدت مطرح کرده است. در این گزارش تحقیقی که دو نفر از روزنامه‌نگاران این روزنامه آن را تهیه کرده‌اند، مشخص شده است رفتار رئیس‌جمهور ترامپ به خاطر تاکید بر آمار اغراق‌آمیز، وعده‌های غیرمجاز و دروغ‌های آشکار با سرعت قابل توجهی ادامه یافته است. از پنجم اگوست و در ۹۲۸ روز

ریاست‌جمهوری، وی ۱۲هزارو ۱۹ ادعای دروغین یا گمراه‌کننده گفته است. براساس پایگاه داده Fact Checker که هر بیانیه، وعده‌های ظنونسی را که رئیس‌جمهور گفته است، آنالیز، طبقه‌بندی و ردیابی می‌کند، او در تاریخ پنجم آگوست توانست ۱۲هزارو ۱۹ دروغ را به ثبت برساند. او ۲۶ آوریل در بهار امسال از مرز ۱۰ هزار دروغ و اطلاعات غلط عبور کرده بود و به طور متوسط روزانه ۱۳ ادعای غلط را مطرح می‌کند.

حدود یک‌پنجم این ادعاها مربوط به مهاجرت است. مسئله امضای او، میزان بودجه‌ای که او در ابتدا قول داده بود و حتی به خاطرش دولت را نیز تعطیل کرد جزء پرتکرارترین دروغ‌های او بوده است و بیش از ۱۹۰ بار درباره دیوار مرزی در حال ساخت سخن گفته است. با اینکه کنگره از اختصاص بودجه خودداری کرد اما او سعی کرد این جابرونجبال را به عنوان بخشی از عملی‌شدن وعده «دیوار» مطرح کند. مگ کلسی خبرنگار واشنگتن‌پست بررسی کرده که «آیا ساخت دیوار مرزی ترامپ شروع شده است؟»؛ جواب به طور دقیق «خیر» است. ساخت‌وساز دیوار پزیدنت ترامپ آغاز نشده است و بودجه لازم برای شروع ساخت‌وساز وجود ندارد. ادعا‌های دروغین یا گمراه‌کننده درباره تجارت، اقتصاد و بررسی مداخلات روسیه در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۶ هر کدام حدود ۱۰ درصد از کل دروغ‌ها و اطلاعات و ادعا‌های وا‌هی را تشکیل می‌دهند.

ترامپ به دروغ ۱۸۶ بار ادعا کرده که اقتصاد امروز آمریکا بهترین اقتصاد تمام طول تاریخ است. او این ادعا را از ژوئن سال ۲۰۱۸ مطرح کرد و جزء ادعا‌های موردعلاقه‌اش شد. تقریبا با تمام معیارهای اندازه‌گیری، اقتصاد امروز حتی به اندازه اقتصاد دوران روسای جمهور آیزنهاور، جانسون،

رسانه

«شرق» امروز ۱۶ساله شد

نشانه‌ای از «سنت تداوم»



✎ **پژمان موسوی**

حالا ۱۶ سال از آن روز می‌گذرد: از دوم شهریور ۸۲؛ از روزی که پیش‌خوان روزنامه‌فروشی‌ها، روزنامه جدیدی را به مخاطبان عرضه کردند که نامش تا آن روز، جز در جنوب شرق ایران، نامی آشنا برای مردم نبود. اما آن روز آفتاب از شرق طلوع کرده و «شرق» متولد شده بود؛ روزنامه‌ای که قرار بود راهی نو و نگاهی تازه باشد. جامعه ایران در آن روز‌ها، از «خبر» عبور کرده و در جست‌وجوی «تحلیل» و «تفسیر» بود؛ در جست‌وجوی یک نگاه تازه؛ نگاهی که هم در فرم واجد این ویژگی باشد هم در محتوا. روزنامه «شرق» در واقع در پاسخ به این نیاز مخاطب ایرانی بود که منتشر شد و به همین دلیل هم خیلی زود اقبالی فراوان یافت. آن روز‌ها نه شبکه‌های اجتماعی حاکم مطلق سیهر اطلاع‌رسانی ایران بودند و نه اقبال مردم به نشریاتِ مکتوب تا به این حد پایین. روزنامه اگر

حرف داشت و نگاه، توجه مخاطب را به خود جلب می‌کرد و اگر می‌توانست اعتماد او را به دست آورد، می‌توانست روی همراهی او برای همیشه حساب کند. اما امروز ۱۶ سال از آن روز‌ها می‌گذرد و «شرق» همچنان روی کیوسک است؛ گرچه چهار بار توقیف شد و چند تحریربه به خود دید، اما همچنان هست و همین «بودن» است که مهم است. در جامعه ایرانی که همه چیزش «کوتاه‌مدت» است، انتشار یک روزنامه غیردولتی کاری است کارستان. خیلی روزنامه‌ها در این سال‌ها آمدند و رفتند، خیلی‌ها نیامده رفتند و خیلی‌ها فقط هستند که باشند، در این میان، اگر باشی و همچنان مورد توجه و تأثیرگذار، به هدف نزدیک شده‌ای. «شرق» و یکی، دو روزنامه دیگر، از این جنس‌اند؛ از جنس ماندن، از جنس بودن. دقیقا همین ماندن و «سنت تداوم» است که از نگاه همایون کاتوزیان، اندیشمند بزرگ روزگار ما، جامعه‌ای را دراز‌مدت می‌کند و توسعه‌یافته و جامعه‌دیگر را



روزنامه «شرق» اکنون یک نماد و نشانه است؛ نمادی از «سنت تداوم»؛ نمادی از تلاش برای «گفت‌وگو» در جامعه‌ای که تک‌صدایی سنت همیشگی آن است؛ در جامعه‌ای که نشریات چند ده ساله یا ندارد یا اگر هم دارد، بودن و ماندن‌شان متکی به پشتوانه‌های دولتی است، انتشار یک روزنامه مستقل استاندارد با نگاهی ملی و توسعه‌مدار، بی‌شک یک «اتفاق» است؛ اتفاقی که هرچند ممکن است برخی به خشمشی آنها هم انتقاداتی داشته باشند، اما باید برای تداوم انتشار و غنی‌ترشدن آنها بکوشند که همین «سنت تداوم» است که جامعه‌ای را توسعه‌یافت و جامعه دیگر را عقب‌مانده می‌کند. باید امیدوار باشیم «شرق» و شرق‌ها آن‌قدر بمانند و بایند که تبدیل به رسانه‌ای قدرتمند نه در سطح کشور و به عنوان صدایی برای مردم که به رسانه‌ای قدرتمند در سطح منطقه یا حتی جهان تبدیل شوند و این محقق نمی‌شود جز با «تداوم». جز با «بودن» و جز با «ماندن»....

روایت

روز پزشک و مسئولیت اجتماعی

گیسو فغفوری

روخت و غرور در بین بیماران و پزشکان از آن بکاهند و با دادن آموزش‌های بیشتر به آنان و همچنین دیگر اعضای کادر درمان روند درمان را بهبود بخشند، یک نوع کمک‌کاری است که بر گردن مسئولان است؛ مسئولانی که نکات اصلی وظایف‌شان را فراموش کرده‌اند و به نظر می‌رسد علاقه‌ای هم به یادآوری آن ندارند. اگر در کمال ناامیدی از کنار مسئولان بگذریم، شناخته‌شده پیش آمد، بازمی‌گردد. از هرکس اجتماعی که هم‌ان طور که عده‌ای از چهره‌های شناخته‌شده؛ از داریوش مهرجویی تا فرزانه طاهری و... بعدتر نیز درباره‌اش نوشتند، همه کما‌بیش با آن مواجه بودند. اتفاقاتی که سال‌ها در عرصه پزشکی و درمان برای هرکسی رخ می‌داد و اکثرا به‌عنوان بخشی از مسائل و کمبودها مدنظر قرار می‌گرفتند و به ذهن کمترکسی می‌رسید که باید درباره آن نوشت و سخن گفت و به آن پرداخت. اگر موارد معدودی هم نوشته می‌شد، افرادی نظیر ما روزنامه‌نگاران بودند که دستی بر آتش نوشتن داشتند و بدجوری از نادانکاری کادر درمان آسیب خورده بودند؛ اما پای صحبت هر کسی که بنشینیم، می‌توانید مجموعه‌ای کامل از انواع اتفاقاتی را که کادر درمان با پزشکان موجب شده‌اند، بشنوید که داغ دل‌شان تازه است. ماجرای کیارستمی، براساس نظرسنجی واشنگتن‌پست در ماه دسامبر، کمتر از سه نفر از ۱۰ آمریکایی رایج‌ترین اظهارات دروغین او را باور دارند. اما واشنگتن‌پست در انتها درخواستی از خوانندگانش نیز مطرح کرده است؛ در پایگاه داده‌هایی که طراحی شده به سرعت می‌توان صحت و سقم اظهارات ترامپ را دریافت و از خوانندگان درخواست کرد تا با مراجعه به این پایگاه اطلاعات را دریافت کنند. این رویه تکیه بر دروغ و اطلاعات غلط، زمانی بیشتر برای ما مهم می‌شود که بدانیم بسیاری نگران این هستند که با همین دروغ‌ها جنگی آغاز شود یا بهانه برای تحریم‌های بیشتر فراهم شود. یکی از تحلیلگران در اینترسپ نوشته متأسفانه در ماه‌های اخیر مقامات آمریکایی دروغ‌های زیادی درباره برنامه هسته‌ای ایران بر زبان آورده‌اند. اما هیچ چیز خنده‌داری وجود ندارد. دروغ‌های آمریکا می‌توانند عواقب مرگ‌باری به‌دنبال داشته باشند. اطلاعات و ادعا‌های وا‌هی را تشکیل می‌دهند.

ترامپ به دروغ ۱۸۶ بار ادعا کرده که اقتصاد امروز آمریکا بهترین اقتصاد تمام طول تاریخ است. او این ادعا را از ژوئن سال ۲۰۱۸ مطرح کرد و جزء ادعا‌های موردعلاقه‌اش شد. تقریبا با تمام معیارهای اندازه‌گیری، اقتصاد امروز حتی به اندازه اقتصاد دوران روسای جمهور آیزنهاور، جانسون، نیش و کنایه زده می‌شود.

سؤال این است که چرا در این مدت برای کاهش این روند تهاجم از سوی مردم و فاصله‌افتادن بیشتر بین پزشکان و بیماران اقدامی نشده است؟ اینکه در دوره تحریم هستیم و اینکه کمبود‌های بسیاری وجود دارد و بیشتر هم خواهد شد، دلیل نمی‌شود که برای بخش‌های دیگر مسیر درمان کاری انجام نشود. اینکه مسئولان درصدد برنمی‌آیند که به جای گذاشتن آجر

آینه‌های محدب- ۵

عجب معرک‌های است



✎ **احمد طالبی‌نژاد**

● به قول آن مثل قدیمی «آفتابه‌لگن هفت دست، شام و ناهار می‌چی»، صنعت سینمای ایران که سال‌هاست از خودکفایی دور شده و با چوب‌هایی که دولت زیر بغلش گذاشته تاتی می‌کند، حالا هزاران صاحب پیدا کرده.که همگی دستشان در جیب دولت و نهادهاست و جالب اینکه سر هر چیزی هم دعوا دارند و به جان هم می‌افتند و یکدیگر را به انواع تهمت‌ها متهم می‌کنند و جالب‌تر اینکه دائم دستشان هم رو می‌شود؛ اما از رو نمی‌روند. بابا به قول اصفهانی‌ها «صنار جیگرک سفره قلمکار نمی‌خواد»؛ سر تا پ‌ای این صنعت در مقابل رقم‌های اختلاس ریز و درشتی که برملا شده، مگر چه قدر هست که این همه مدعی دارد؟ واپسین دعوای آقایان، بر سر حضور در اسکار است. اینکه چه فیلمی نماینده سینمای ایران در این مراسم باشکوه و تا بیخ و بن سیاسی، تجاری و غیرفرهنگی باشد. ظاهراً موفقیت پی‌درپی اصغر فرهادی، بقیه هم‌سلاشان را هم به وسوسه کشانده و برای از راه بدرکردن رقیب دست به هر کاری می‌زنند. ولی فراموش کرده‌اند که در کنار ارزش‌های کتمان‌نشدنی آثار فرهادی و حرف‌های جهان‌شمولش یک طرف، نقش پخش‌کننده‌های قدرتمندی همچون سونی‌پیکچر را هم نباید از نظر دور داشت. در بازی اسکار برنده کسی است که قدرت لایگیری داشته باشد. این لایگیری را آنچه آقای شمدق‌ری گفت توفیر دارد. او به طعنه یا به جد گفته بود «لای ک‌ردیم جدایی نادر از سیمین اسکار گرفت» و البته کسی نپرسید چرا شما که این‌قدر دست به لایگیری‌تان خوب است فیلم یکی از دوستان را برنده نفرمودید؟ به هر حال گویا در جلسه رأی‌گیری امسال به نقل از راویان اخبار و طوطیان شکرشکن شیرین‌گفتار، چنین حکایت شده که تهیه‌کننده فیلم متری شیش‌ونیم که به یکی از جناح‌های سیاسی گرایش دارد، با تهیه‌کنندگان قصر شیرین که عبارت باشند از سیدرضا میرکریمی و بنیاد سینمایی فارابی، پارکنی کرده و هم‌وزن شده‌اند. اما چون بر حسب اتفاق تعداد داوران جفت بوده‌اند، نتوانسته‌اند رقیب را در دور اول از میدان خارج کنند، لاجرم پای فیلم بعدی از میان کاندیداها به میان کشیده شده یعنی مستند «در جست‌وجوی فریده» که مستند جذاب و خوبی هم هست و در این میان به استاد ضرب‌المثل «همیشه پای یک زن در میان است» خانم سیمین معتمدآریا که جزه داوران بوده، با زیرکی دو رقیب اصلی را وادار کرده هر دو به این فیلم رأی بدهند تا یکی‌شان حذف شده، رقابت بین در جست‌وجوی فریده با یکی از دو فیلم اصلی ادامه یابد که در نهایت در جست‌وجوی فریده رأی بیشتری به دست آورد. به این ترتیب دو رقیب اصلی به رقیب سوم می‌بازند. - نمی‌دانم چرا یاد ماجرای دوره اول انتخاب‌شدن احمدی‌نژاد افتادم-. باری! وارد سیاست نشویم. برای نخستین‌بار یک مستند به چنین جایگاهی دست پیدا کرده و باید برود برای رقابت در اندازه‌های جهانی. مبارک است ان‌شاءالله! اما حرف من با برادران عزیزی است که روزگاری قرار بوده حافظ ارزش‌های انقلابی باشند و حالا برای جیفه دنیوی به جان هم افتاده‌اند. آقایان نگاهی به پشت سرم، سمت چپ، سمت راست و روبه‌رویتان بیندازید! چه می‌بینید؟ اصلا قدرت دیدن دارید؟ حاصل این همه جشنواره‌های ریز و درشت که شده است ملک طلق برخی از دوستان و آشنایان برای سینمای ایران چه بوده است؟ همین روز‌ها جشنواره نسبتاً پرسابقه کودک و نوجوان اصفهان دارد برگزار می‌شود. چند درصد مردم ایران در جریان این رویداد که روزگاری نه چندان دور باشکوه و پرجاذبه در اصفهان برگزار می‌شد، هستند؟ در یک دهه اخیر این جشنواره چه نقشی در کمیت و کیفیت سینمای کودک و نوجوان ایران داشته و دارد؟ هنوز هم بودجه‌ای از تولیدات سالانه به فیلم‌های کودک و نوجوانی اختصاص داده می‌شود به جیب چند نفر به عنون تهیه‌کننده سرازیر می‌شود. آن هم از جشنواره بین‌المللی فجر که واقعا معلوم نیست وجود و حضورش ناشی از چه ضرورتی بوده است؟ می‌رسیم به جشنواره‌های موردی و استانی! مثلاً جشنواره حسنات اصفهان که به همت زنده‌اید زاون قوکیاسیان طراحی شد و حالا مدیریتش در کف رسول صدرعاملی است. در حالی که ایده اصلی زاون این بود که چرخ این جشنواره کلا به دست بچه‌های باکفایت اصفهان حرکت کند. هی تشنیشیم اختلاسگران را محکوم کنیم که البته لایق بیش از این‌ها هم هستند. خودمان چه می‌کنیم؟ در شرایطی که برخی مردم نان شب ندارند، دست می‌کنیم در کیسه سوراخ دولت و هی جشنواره پشت جشنواره، مراسم و سمینار پشت سم؛ تولید فیلم و سریال‌های بی‌خاصیت. از سو بچه‌های ایران در معرض کلاه‌های فرهنگی وارداتی بی‌پشت و پناه مانده‌اند. حالا باید صبر کنیم بینیم سرنوشت «در جست‌وجوی فریده» در اسکار چه می‌شود؟ بلکه فرجی شد. منظورم آقای فرجی که در پشت پرده سینمای ایران پست مهمی دارد نیست‌ها!